ب) چشیدن استمراری موت

ظاهراً در جلسه قبل از استاد حاج آقای علاقه‌بند، مطلبی را خدمتتان نقل کردم. آن روزهای اول بود که محضرشان بودیم. فرمودند: آیه می‌فرماید: «قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ»[1] چرا اسم فاعل آورده است که دال بر استمرار است؟ ایشان می‌فرمودند: آیه می‌خواهد، بفرماید: «تفرون»، اما خبر ندارید که لحظه به لحظه با مرگ دم سازید. این ذائقه، هم همینطور است. اسم فاعلی است که روی معنای عرفی آن می‌گویید من که تا به حال ندیدم مرگ چه جور است؛ هنوز مرگ را نچشیده‌ام. بعد از اینکه موت بدنی آمد، آن چیزی را که ندیده بودم، می‌بینم. اما قرآن می‌خواهد همه معانی مختلف و همه مراتب تکوینی را بیان کند، به جای اینکه بگوید: «کل نفس تذوق الموت»، با اسمی تعبیری می‌کند که دال بر استمرار است: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ». این یعنی چه؟؛ یعنی اگر استمرار باشد، هر لحظه دارد مرگ را می‌چشد. اما چشیدنی است که آنچه را که الآن می‌چشد خبرش را نداشت. این برای تازه است. قبلی رفت؛ ذائق یعنی الآن به یک حالی واصل می‌شود که این حال قبلاً برای او نبود. «لا تکرار فی التجلی». الآن این چیز جدیدی است. هر دمی، دو عدی کنم. نوعا استاد در درس اسفارشان می‌گفتند؛ شاید به هفته نمی‌رسید، در بعض مواقع ـ تدریسشان، این شعر را می‌خواندند: «عارفان در دمی دو عدی کنند***عنکبوتان مگس قدی کنند»[2]. خیلی شعر لطیفی است. «هر دمی دو عدی کنند»؛ عمر مثل جوی آب است. وقتی جوی آب را نگاه می‌کنید، جوی آب است. واژه جوی آب، واژه ثابت است یا سیال؟ به خود واژه‌ها دقت کنید. هر دوی آنها ثابت است. هم جوی ثابت است و هم آب ثابت است. منظورم آب جاری است، نه سیال به‌معنای مایع بودن. سیال به‌معنای جریان است. در هیچکدام جریان نیست. اما وقتی نگاهش می‌کنید در تمام تار و پود جوی آب جریان خوابیده است. یعنی با دو واژه‌ای که ریخت معنای هر دوی ثابت است، بر یک چیزی دلالت می‌کنید که سر تا پایش جریان است.

---

[1]. الجمعة، آیه ۸.

[2]. از اشعار مولوی.

بازبینی #2
ایجاد شده 9 نوامبر 2024 15:37:53 توسط ... .
به روزرسانی شده 28 نوامبر 2024 11:53:14 توسط ... .